



مرکز تحقیقات اسلامی

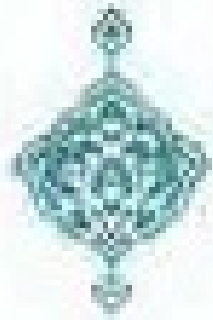
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



سلام اللہ علیہا

فاطمہ

الگوی مہدی (عج)



سید مسعود پور سید آقایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه الگوی مهدی (عج)

نویسنده:

سید مسعود پور سید آقایی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ فاطمه الگوی مهدی (عج)
۶ مشخصات کتاب
۶ فاطمه الگوی مهدی
۶ بازشناسی
۷ زهرا و زمان شناسی
۷ گام‌های زهرا (اثنتا عشرة عینا)
۷ اسراء (دعوت‌های شبانه)
۷ حصن (دفاع)
۷ فدک (افشاگری)
۸ سکوت
۸ انذار (هشدار)
۸ اذان
۸ سرشک
۸ سایبان
۸ اقرار
۸ وصیت
۹ آیه
۹ تسلیت
۱۰ پاورقی
۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فاطمه الگوی مهدی (عج)

مشخصات کتاب

نویسنده: سید مسعود پور سید آقایی

ناشر: انتظار

توصیفگر: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق

توصیفگر: فضایل اخلاقی [۱]

توصیفگر: اخلاق اسلامی توصیفگر: خانواده

فاطمه الگوی مهدی

عن مولانا المهدی علیه السلام: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة». [۱]. فاطمه علیها السلام الگوی مهدی علیه السلام و همه‌ی مهدی زیستان است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از پیش تر فرموده بود: «فاقتدوا (فاهتدوا) بالزهره». [۲]. چشم به راه مهدی علیه السلام باید الگوی مولا و مقتدای خود را نیک بشناسد تا در فراز و فرود ایام، توانایی موضع‌گیری مناسب را داشته باشد. ضروری است در ایام سوگ مهدی علیه السلام - فاطمیه - به بازشناسی دوباره‌ی اسوه‌اش زهرا علیها السلام پردازیم.

بازشناسی

زهرا علیها السلام کوثر خدا است. لیلۃ القدر خدا است. جلوه‌ی جمال خدا است و تفسیر جلال خدا. زهرا علیها السلام ادامه‌ی رسول صلی الله علیه و آله است و همتای علی علیه السلام و مادر مهدی (علیه السلام). [۳]. زهرا علیها السلام، حصن حصین ولایت است و آموزگار متین شهادت. زهرا علیها السلام تلاوت بیداری است؛ سایبان شوق است؛ تولد بالغ تاریخ است و بهار سرشار دل‌های آشنا. زهرا علیها السلام معرف نهایت کمال زن است و اوج عروج یک انسان. چشمه‌ی غدیر درباغ دستان پرتوان او، به بلوغی رسید، و غدیریان از دامان عصمت او، به رویشی رسیدند. ما، درباره‌ی زهرا علیها السلام بیش تر به توصیف پرداخته‌ایم و نه تبیین، و آن چه نیاز نسل معاصر ماست، تبیین است، و نه توصیف، تطبیق است و نه توجیه. پیچیدگی برخورد و عمق نگاه زهرا علیها السلام همچون دشت نیست که نشسته تا آخرش را ببینی و کرانه‌هایش را در آغوش نگاهت بنشانی، دریایی است بی کرانه، کوهی است به بلندای تاریخ. همین است که هر چه به قله‌اش نزدیک تر شوی، چشم‌انداز بیش تری می‌بینی، در حالی که بیش از یک سویش را ندیده‌ای. پیچش گام‌های زهرا علیها السلام چنان منشوری است که ابعادش به عدد زاویه‌ی دیده‌ها و حوادث روزهاست. من می‌خواهم از این بی کران بلند بی نهایت، سطری بنویسم. آیا توانی هست؟ من می‌خواهم به عشق نوشیدن قطره‌ای از جام ولایتش و بر گرفتن نمی از یم صفایش، جلوه‌ای از جلوات و شمه‌ای از ملکاتش را بنگارم. آیا رخصتی هست؟ چگونه می‌توان سوزش شمع، خیزش موج، غرش رعد، ریزش ابر، صبوری سرو و ایستادگی نخل را نوشت؟ به راستی مگر می‌شود آن را که آسمان و خورشید و ماه، وسعت و نور و زیبایی را، اقاقی‌ها عطر را، کبوتران پرواز را و چشمه‌ها طهارت را، از او به عاریت گرفته‌اند، به تحلیل نشست؟ به راستی مگر می‌شود آن را که با خط خود، غزل آفتاب را بر پوست هر ستاره می‌نوشت، تحلیل کرد؟ همو که طنین فریادش، همپای ضربت خندق است. مگر می‌شود آن را که در جغرافیای خانه‌ی گلی‌اش، تاریخ رنج‌ها و رنج‌های تاریخ جا گرفته، به تحلیل نشست؟ همو که دشمن در وسعت سینه‌ی سبزش، برای شمارش دسته دسته‌ی دردهایش، عمری به درازای زمان

می‌خواهد. کسی که نوشته‌ها هم اقرار دارند که هنوز تمامی او بر آنان نیز نامکشوف مانده. چگونه می‌شود آن را که خورشید در تابوت او غروب کرد و ملائیک به عشق دیدار او به سجده در افتادند و با اشک‌هاشان راهش را تا به خدا علامت گذاردند، تحلیل کرد؟ چگونه می‌شود آن را که در درنگ کوتاهش، به کوتاهی فرود شتابان فواره تا خاک، تمامی بار امانت خود را گذارد و رفت، به تحلیل نشست؟ کسی که پایانی به قشنگی گل داشت. چگونه می‌شود آن را که بر کف، عصای موسی، و بر لب، دم مسیحا، و بر دوش، ردای محمد صلی الله علیه و آله دارد، تحلیل کرد؟ کسی که کوثر و لیلۃ‌القدر خدا و سبزترین پاسخ به روح تشنه‌ی انسان‌ها در تمامی عصرها و نسل‌ها است. مگر آن که «منا» شد و از در، در آمد و آن گاه از دور، تحلیلش کرد و از سایه‌اش، اندازه‌اش گرفت و از نشانه‌ها و علامت‌ها، تخمینش زد، که دورهای نزدیک و بزرگ‌های فشرده را این گونه می‌توان فهمید. من، از دیر باز، مشتاق قلم زدن در این وادی بودم، اما هر بار اشک‌ها، راه را می‌بست و سیلاب‌ها، مشق‌ها را می‌شست و نفس‌ها را به شماره می‌انداخت، تا این بار که در روز شهادت زهرا علیها السلام بر سر راه این همه - با خون دل - سدی کشیدیم و به عشق آمدن منتقمش، قلم به سراغم آمد.

زهرا و زمان شناسی

بالاترین ظلم‌ها، غضب و صایت رسول صلی الله علیه و آله است و مهم‌ترین اقدام، احقاق این حق؛ که - به شهادت حدیث ثقلین - هدایت، بی‌همری عترت، محال است، محال. و زهرا علیها السلام این اسوه‌ی همیشه بیدار و هشیار، گرچه با آن همه تاکیدها و سفارش‌های رسول صلی الله علیه و آله وجودش نشانه‌ی راه است و با علی علیه السلام بودنش، علامت همه چیز، اما به همین قناعت نمی‌کند، که اقدام‌ها می‌کند و گام‌ها برمی‌دارد.

گام‌های زهرا (اثنا عشره عینا)

اسراء (دعوت‌های شبانه)

«چه زود روز پرشکوه غدیر و خاطره‌ی بیعت‌تان را از یاد بردید؟!». شب‌ها با علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام بر در خانه‌های مهاجران و انصار می‌رفت و آن‌ها را به یاد بیعت‌شان در عقبه و غدیر و دریای فضایل علی علیه السلام، از واقعه‌ی تبوک و مباحله گرفته تا احادیث ثقلین و سد ابواب و... می‌انداخت تا شاید چلچراغی برافروزد. هیچ دری برپاشنه نچرخید؛ که از شمشیر علی علیه السلام کینه‌ها داشتند و از بدر و احد، خاطره‌ها. هنوز هم تاریخ در انتظار لیبیک می‌سوزد.

حصن (دفاع)

«آیا به راستی می‌خواهی بیت وحی را به آتش کشی و مرا با علی و فرزندانم بسوزانی؟!». زهرا علیها السلام را، زخمی، به کناری افکندند و علی علیه السلام را به مسجد کشاندند با شمشیرهای آخته، درب خانه در آتش کینه‌ها می‌سوخت. زهرا علیها السلام با بالی شکسته، خود را به مسجد رساند و با تهدید نفرین، علی علیه السلام - امامش - را رهانید و دست در دست، آرام به خانه‌اش برد. هیچ کس به پا نخاست! هیچ کس آبی نریخت! آه آه، چه غربتی!!

فدک (افشگری)

«آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری، اما من ارث نبرم؟ چه سخن ناروایی!». به بهانه‌ی غضب فدک، در مسجد، به

افشاگری پرداخت. خصم، می‌پنداشت که او بر زمین از دست رفته می‌نالد و تو نگو، تنها، اشارتی به زمین است و تمامی از آسمان ولایت، تحریک و حمایت، افشا و شماتت. نزدیک بود که کار تمام شود، آه در حسرت غیرتی!

سکوت

«دیگر هرگز با شما دو تن، سخن نخواهم گفت!» گاهی رساترین فریادها را از دهان سکوت باید شنید. همه می‌پرسیدند: کز چه روی خورشید در چنبره‌ی کسوف فرو رفت؟!

انذار (هشدار)

«شمشیر آخته، هرج کامل، استبدادی هماره، ذلتی فراگیر، جمعی پراکنده، فتنه‌ای کوربشارت‌تان باد! اگر... اگر این آب رفته، به جوی باز نگردد و صدف، جای خزف نشیند!» این‌ها، انذارهای بلند منذری بیدار و فوران سبز کوثری زخمی، در بستری درد آلود بر زنانی مقهور بود.

اذان

«بلال! باردگر اذان بگو.» این طنین بیدار چشمه‌ی آفتاب بود. شاید که با احیای خاطرات دوران رسول صلی الله علیه و آله سؤالی در اذهان این جماعت مفلوک شکل گیرد که: گلدسته از جلوت بلال چرا تهی ماند؟

سرشک

«شب و روز اشک خواهم ریخت تا به ملاقات خدایم رسم و شکایت بر او برم.» آن‌جا که فریادها کارساز نیست، شاید اشک‌ها، از دل سنگ‌ها، چشمه‌ای جاری کند و در اذهان فسرده‌ی این توده‌ی مرعوب، سؤالی را به تصویر کشد: کز چه روی خورشید را خونابه می‌بارد؟

سایبان

«چند روزی بیش میهمان شما نخواهم بود.» کشتی شکسته‌ی ما، در سایبان بقیع، در کناره‌ی قافله‌ها، پهلو گرفت. بگذار فریاد مظلومیت ولی غریب، به آفاق پرکشد. شاید همتی بیدار، ساحت رفعت او را پاسخ گوید. آیا امید لیبکی هست؟ ای تولد بالغ تاریخ! ای بلوغ بیداری!

اقرار

«همه، شاهد باشید که این دو تن، مرا آزرده‌اند! هرگز از آنان نخواهم گذشت!» با خود می‌پنداشتند که می‌توان قبل از افول زهره، سند مظلومیت را ربود. این اوج تزویر بود. اما زهرا علیها السلام بیدار، روی بر دیوار، تا بگیرد اقرار. در شهر هو افتاد...

وصیت

«نماز و تشیعم، بر تبار قابیل حرام.» همه جا همه‌شده! این هم تیری دیگر از چله‌ی بیداری!

آیه

«قبر من پنهان؛ نشانش، بی‌نشانی است.» اگر قبرت را نشانی نیست، چه باکهر سنگ نبشته‌ای، حکایت تو را دارد.

تسلیم

«خدا حافظ علی‌جان! خدایا! به سوی تو و در جوار کوی تو.» مرد خبیر، مرد احزاب، تا شنید، از پای افتاد. آبی بیاورید... در کنارش می‌گفت: «ای کوثر خدا، ای دختر رسول، ای انس مهربان! این دل‌رمیده‌ی ما را دیگر چه کسی انیس و مونس باشد؟» آبی بیاورید..... یک بار دیگر آسمان گرفت و خنجر تبار قایل، خورشیدی دیگر را که در ابتدای طلوع خود بود، بر سجاده‌ی خون، از پای انداخت. رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌از تنهایی در آمد، و علی‌علیه‌السلام غربت خود را به سوگ نشست، و حرامیان سرمست، که علی‌علیه‌السلام تنها شد، چون بی‌همتا شد. می‌توان از ابعاد مختلف این منشور خدایی و اسوه‌ی الهی سخن گفت: علم، ایمان، عبادتش؛ زهد، ورع، اخلاصش؛ عصمت، آیات، سور نازل در شانش؛ برخورد با پدر، مادر، همسر، فرزندان؛ انفاق‌ها، ایثارها، کراماتش؛ انصاف، پوشیدگی، عشق به شهادتش؛ راستگویی، خشیت، سازندگی، تربیتش؛ شفاعت، رضا، ادب، مصحفش؛ شکوه‌ها، خطبه‌ها، مواعظ، احادیثش؛ شعرها، دعاها و مجاهدت‌هایش؛ وفا، ولاء و توسل به ساحت قدسش؛ ... و... و... یا از همه‌ی این‌ها گذشته، از هشیاری و بیداری و زمان‌شناسی اش. و من، تنها، از همین زمان‌شناسی او - همان مدافعات او از مقام ولایت و ولی‌الله زمانه‌ی خود - گفتم و شمه‌ای از دقت و پیچیدگی برخوردهای او در راه احقاق این حق عظیم - همان اصیل‌ترین و مهم‌ترین نیاز امروز و هر روزمان - آوردم تا صدق سخن صادق‌علیه‌السلام روشن شود که: «عرفان فاطمه‌علیها السلام ادراک شب قدر است و شناخت فاطمه‌علیها السلام نجات از یک عمر - هزار ماه - سردرگمی. [۴]. و همین کمال زهراست که او را محور قرار داده، [۵] و همین بلوغ بیداری اوست که از او اسوه ساخته. [۶]. برادر! این‌ها، تنها، اشارتی بود به کارنامه‌ی دو ماهه‌ی زهرا‌علیها السلام. اکنون تو نیک‌بنگر در کجای راهی و در کدامین کلاس، که تا رسیدن به او، جز توسل به او راهی نیست. باید مستانه و دامن‌کشان، هوایی کشید. یازهرا‌علیها السلام! بی‌کوثر، طلوع را سلامی نیست زهرا‌علیها السلام ای کوثر خدای ادامه‌ی نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌از همتای علی‌علیه‌السلام حبیبه‌ی خدای شب قدر خدای مقصود خدای مشکاه خدای مصباح هدایای والشمس و ضحیای معنی‌جمالی تفسیر جلالی تاویل کمالاتی واژه‌ی وفای آیه‌ی صفای سوره‌ی اتیای خورشید رسالتی قمر ولایتی زهره‌ی هدایتی باعصای موسیای با دم مسیحای با صلاهی یحییای ایوب بلاهای یعقوب فراق‌های یوسف جفا‌های کوه پر ابتهای جاری محبتی چشمه‌ی طهارت‌ای اسوه‌ی خدایای جلوه‌ی الهیای عشق کبریایی‌ما ببخشایکز تهجدت گفتما از اسرای به تاول نشستهو عمق نگاهو پیچش تدبیر تو، هرگز! از خانه‌ی گلی تو شنیدیماما از رنج قرن‌ها و بلوغ بیداریو راز کوفتن در کوب‌هایت، هرگز! وصف تو گفتیم - و چه بی‌رمق - که بلندای خورشید رادر عاریت ماه‌ت منا کردیماما از گل یاس رافوران سبز را آبی زلال را چه کسی بر ما خواند؟ ای آموزگار ظرافت! تو خود به ما بیاموز تلاوت بیداری بلوغ اندازو رنج قرن‌ها را که سخت محتاجیمدشت را از تدبیر تو نشانی نیستکه بانیم‌نگاهی، کرانه‌هایش را در آغوش می‌نشانم پیچش تدبیر و عمق نگاه تودریایی‌ست، بی‌کرانه‌کوهی است هم‌پای تاریخکه کرانه‌های بکرشوام دار ارتفاع نگاه توستو آن دم که بر قله‌اش عروج کنیدیگر از تو، در تو نشانی نیستای آفتاب سفر کرده! من فریاد سبز تو را که از پشت دیوار قرن‌ها، هنوز هم به گوش می‌رسد، شنیدمو شعله‌های کومه ات را که در آتش کینه‌های سرشار می‌سوخت، دیدممن سراغ خونین تو را از لاله‌ی سوخته در میان کنده‌ها و دیوارهای تاریخ گرفتمو شاهد تاریکی زمیندر روز نفرین تو بر کسانی که آفتاب را به قرص نانی فروختند، بودممن از گلوی تو، صدای خدا و بر لب‌های سوخته‌ات، آیه‌ی تشنگی مردم را شنیدمو رسوایی ننگ مشاطه‌گان رادر پیچش گام‌های تو یافتممن در جغرافیای خانه‌ی گلی تو تاریخ رنج‌ها و رنج‌های تاریخ را

دیدم، در ناله‌های تو بر زمین از دست رفته‌ات‌طهارت چشمه‌ی غدیر راو در ارتفاع نگاهت، قیام توفان را دیدم اشک‌های تو را بر درکوب‌های کوچه پس کوچه‌های سرد و خسته‌ی مدینه یافتمو خط تو را که بر پوست هر ستاره، غزل آفتاب را می‌نوشتی، خواندمن نشان کبودین تو را از قافله‌هایی که از کناره‌ی بقیع می‌گذشتند گرفتمن، در اشک‌های تو، فوران چشمه‌ی غدیر راو در آذرخش فریادت، ضربت خندق را دیدم، با اذان بلال توبه قیام و سلامی رسیدم این شعله‌های عشق توستکه انسان خسته را به میهمانی آفتاب می‌خواند در حجم نگاه توافق هم، رنگ می‌باختسبزی این سال‌ها، هنوز هم وامدار آن نگاه بلندی استکه از قله‌ی ناپیدای تو سرزدمن با نوای آشنای تو از قناعت انجمادهاو از پس کوچه‌های حقیر خلافت‌ها رهیدمن بلوغ بیداری را آن جا که سایه‌ی ماه را در پس لایه‌های ابر به خسوف کشاندی، تجربه کردم، انذار تو را ای کوثر زخمی! بر زبانی مقهور شنیدمو اوج تسلیت تو را آن جا که مرد راه را از پای انداخت، شناختمن، در خاموشی قبرت تابش هزاران خورشید را، دیدماگر قبرت را نشانی نیست، چه باک! هر سنگ نبشته‌ای حکایت تو را دارد! من، فریاد سکوت بلوغ بیداری پنج قرن هانس مهربانو در آخر، عروج سبز را از تو آموختمو شب قدرم را با تو، به سلامی رساندمکه بی کوثر، طلوع را سلامی نیستای بلوغ انذار! چشمه‌ی غدیر در باغ دستان تو رویدو غدیری‌ها، از دامان عصمت تو، به بلوغی رسیدندو انسان مانده، با انذار تو به رویشی رسیدای آموزگار ظرافت! آن جا که مردان از پای فتانندچگونه رفتن را تو به من آموختیو آن جا که فریادها در سینه‌ها گم شدفریاد خسته‌ی دردم را تو به بلوغی رساندیو آن جا که حرامیان، راه را بستندبا اشک‌هایت، راهم را تا به خدا، تو علامت گذاردیو در باغ شهادت، مرگ را که بار زندگی آورده بود، نشانم دادیخورشید، در تابوت تو غروب کردو ملائک، به عشق دیدار تو، به سجده در افتانندو عروج خونینت را خدا، خود، به نظاره نشستتا زخم‌هایت را، خود، مرهمی گذاردو چشمه‌ی کوثرش را، با تو، به طهارتی رساندای تولد بالغ هستی! ما با چشم اشکو دست تمناروز شهادت تو را با شمارش دسته دسته‌ی رنج‌هایتبه امید آمدن منتقم، مهدی، به عزا می‌نشینیم آیا امیدی هست؟ ای کوثر خدا! ای ادامه‌ی نبی! ای همتای علی! زهرا جان!

پاورقی

- [۱] الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۶، مؤسسه‌ المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۷ هـ -؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۵۳۷، (بدون کلمه «لی»)؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.
- [۲] معانی الاخبار، صدوق، ص ۱۱۴؛ فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۶.
- [۳] عن ام سلمه، قالت: ذکر رسول الله صلی الله علیه و آله المهدی، فقال: «هو من ولد فاطمه». (المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷). برای آگاهی بیش‌تر از این روایات، ر.ک: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، آیه الله صافی گلپایگانی، ص ۲۴۷-۲۵۰.
- [۴] عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال: «انا انزلناه فی لیلة القدر - اللیلة فاطمه، والقدر الله. فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك لیلة القدر» (بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵)؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: تاویل «لیله در «انا انزلناه فی لیلة القدر» فاطمه است و تاویل «قدر»، الله، تبارک و تعالی است. پس هر آن که فاطمه را، درست و آن گونه که سزاوار است، بشناسد، شب قدر را درک کرده است.
- [۵] «فقال عزوجل هم اهل بیت النبوة ومعدن الرسالة هم فاطمة وابوها وبعلمها وبنوها»؛ که پدر و شوهر و فرزندان، در حول این محورند. (حدیث شریف کساء).
- [۶] «وفی ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله لی اسوة حسنة و «فاقتدوا (فاهتدوا) بالزهره».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

